

سریعه

بسم الله الرحمن الرحيم

امال شلوغی بیش از اندازه تالارهای نمایش، امیدار آینده‌ای بهتر برای تئاترکشودار است. هرساله با توزیع بیش از چندده هزار کارت دعوت، آمار سالنهای نمایش چشمگیر نبود. فروش بلیط نیز حتی با قیمت نازل پنجاه ریال جای خود داشت.

امال با طرح پیش فروش کردن بلیط‌های نمایش ... با قیمتی بالاتر از هرسال، تقریباً موفقیت آمیز بوده است. و با یادکم با ورکنیم و با ورکنید که تئاترا ز محفل‌های خصوصی و روشنفکرانه و دانشجویی به میان مردم راه پیدا گرده است.

با یادبا ورکنیم و با ورکنید که نباید این مردم را دست کم گرفت. با یادتلاش کردن نمایش‌های در خور فرهنگ مردم و برای مردم به وجود آورد.

نمایش همانگونه که بارها گفته، نباید "پیشگام" مردم حرکت کند. نمایش باید "پیشگام" یا حداقل "همگام" با مردم قدم بردارد.

با یاد برای مردم ارزش فرهنگی قائل شد. با یاد از این ازدحام‌ها برخود غرمه نشویم - با یادگذاریم حمایت مردم از تئاتر کاسته شود. با یاد رابطه‌هارا بشناسیم و این ارتباط را روزبه روز مستحکم تر کنیم.

مردم از یک محیط فرهنگی انتظار فرهنگی دارند، برخورد هارا سالم تر و انسانی تر کنیم.

به امید تلاش در راه این امت

والسلام



شماره ۴

سیریعه
ششمین
برگاری
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

انتشارات و روابط عمومی ستاد
برگاری ششمین حسنه
سرا سری تئاتر فخر
واره



مصطفیه ماید کمال حاج سید جوادی

خبرنامه نمایش در یک نشست چند دقیقه‌ای با کمال حاج سید جوادی معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نقطه نظرات ایشان را در مورد برنامه‌ریزی تئاتر آینده کشور جویا شد، حاج سید جوادی در پاسخ اظهار داشت:

بسم الله الرحمن الرحيم، با توجه به اینکه شرایط موجود تئاتر ایجاد نمی‌کرد یک دگرگونی و حرکت نوین در آن بوجود آید، این شروع این تغییر بوده و بهمین دلیل کوشش و توجه زیادی به تئاتر شده، این امر هم در تئاتر تهران و هم در تئاتر شهرستانها مشهود است و ما امیدواریم که این توجه در همه اقسام بوجود بیاید. بطوریکه تئاتر بعنوان مسئله‌ای برای جوانان ما مطرح شود، و نیز امیدواریم که در سال آینده شاهد یک حرکت جدید، گسترده و فعال باشیم. امید ما این است که در سال آینده دو طرحی را که از پیش برنامه‌ریزی شده به تحقق بپیونددند. یکی از این دو طرح، طرح تئاتر تجربی است و دیگری تحول و بازسازی تئاتر.

هم اینک در کمیسیون بودجه مجلس شورای اسلامی، بودجه خاصی را برای تحول و بازسازی تئاتر در نظر گرفته‌اند، البته این بودجه برای سال آینده تصویب شده است
این دو طرح با توجه به بودجه تخصیصی هر چند که قابل توجه نیسته اما به‌هرحال بعنوان دو طرح برنا مهربانی شده مد نظر است که انشاء الله با کوشش هنرمندان و دست‌اندرکاران تئاتر به تحقق خواهد پیوست.

اجرای این دو طرح میتواند در تحول تئاتر ما نقش بسزایی را داشته باشد. فکر می‌کنم سال آینده سال توجه به تئاتر باشد، توجه به بخش‌های هنرها نمایشی بطور اعم و تئاتر بطور اخص، و ما و برادران دست‌اندرکار تئاتر بتوانیم نمایش را بعنوان مسئله‌ای برای جوانها و علاقمندان به مسائل فرهنگی مطرح کنیم.

تقاضای من از هنرمندانی که در این جشنواره شرکت می‌کنند و ما افتخار پذیرایی از آنها را داریم اینستکه در این ایام فرخنده توجه و کوشش بیشتری به مباحث و موضوعات و نقد تئاتر داشته باشند و این توجه و عنایت را استمرار دهند و امید داشته باشند که در وضعیت موجود یعنی، با کمبود امکانات مالی و مادی که باعث عدم پیشرفت آنها شده تغییرات اساسی وجود خواهد آمد.

ما در سال آینده چشم‌انداز بسیار روش و درخانی را پیش‌بینی می‌کنیم، با عنایت به اینکه آن دو طرحی را که قبلًا "به آن اشارا کردم از طرف مجلس شورای اسلامی تصویب و با مرحله اجرا گذاشته شود، تئاتر در سال آینده کوشش بیشتری را از سوی دست‌اندرکاران طلب می‌کند. لذا امیدوارم که برادران عزیز هنرمندانی فعالیت بیشتری بکنند زیرا فعالیت شهرستانی هرچه بیشتر آنها است که باعث می‌شود تئاتر کشور به یک مسیر جدید هدایت شود، خوب است همان مشکلات مالی و اجرائی هم حل می‌شود، انشاء الله والسلام

"وصفا" با استفاده از لباس و صحنه در هر نقطه‌ای و محلی به نمایش در بیايد.
نتیجتاً فقط اینگونه تئاترها می‌توانند توفيق اجرادر میادین و پارکها را داشته باشند. تئاترهايی که بالاچار ازدکور و نورپردازی خاصی استفاده می‌کنند توفيق اجرادر میدان و کوچه و بازار و میان میان رانخواهند داشت".
امکانات موجود در تهران انتظار عالم‌دان تئاتراز گروههای تهرانی را بالا میرد.
* آیا تهرانی‌ها این انتظار را پاسخ داده‌اند؟
"فتحعلی‌بیگی" در این خصوص می‌گوید:
- در حد کاری که اجرا می‌کنند بله، ولی ما بدلیل شکل کاری که انتخاب کردیم امکانات خاصی را برای اجرا نخواستیم چون در این

نمایش‌های آئینی و سنتی جایگاه ویژه‌ای در جشنواره امسال داشت. اختصاص یک سالن به این بخش از جشنواره واستقبال گروههای مختلف از آنها در تالار محراب و همچنین



سرپرست تالار محراب
ونویسنده و کارگردان
"سلطان مبدل"

قصلو با؛ دا و فتحعلی بیگی

جشنواره باید خط مشی تئاتر را مشخص بگزند

نوع نمایش از وقتی که رفت در تئاتر جعبه‌ای، بیشتر از یک پرده نقاشی بعنوان دکورولو از م صحنه استفاده کردیم. در این نوع تئاتر سعی می‌شود از امکانات مختصر و مفید استفاده شود".
"فتحعلی‌بیگی" در پایان راجع به جشنواره اظهار داشت:

- بعقیده من جشنواره سراسری تئاتر فجر باید خط مشی تئاتری بعد از انقلاب را مشخص بگزند که متأسفانه تا حال جنین نبوده است. امیدواریم با تغییر و تحولاتی که در مرکز - هنرهای نمایشی بوجود آمده در خصوص تعیین خط مشی نوع تئاتری که ویژگی‌های ساختاری بعنوان تئاتر ملی با محتوای اسلامی را دارد است اقدام شود.

محمد بهرامی

احراهای خیابانی این نمایشها در میدان آزادی و پارک لاله نشان میدهد که مردم به آن نمایشها علاقمند بوده و توجه دارند.

"دا و فتحعلی‌بیگی" سرپرست تالار محراب و نویسنده و کارگردان نمایش سنتی "سلطان مبدل" می‌گوید: "یکی از اقداماتی که می‌تواند مردم را به تئاتر راغب و مانوس بکند و شکل مردمی تری پیدا کند همین است که به میان مردم برود. چطور که در سنتهای نمایشی ماهم تئاتر همیشه در میان مردم و در کوچه و بازار اجرا می‌شده است.

تئاتر خیابانی یا تئاتری که ما بعنوان نمایش‌های سنتی می‌شاسم از ویژگی‌های در احرا برخوردار است که امکان میدهد که بدون دکور

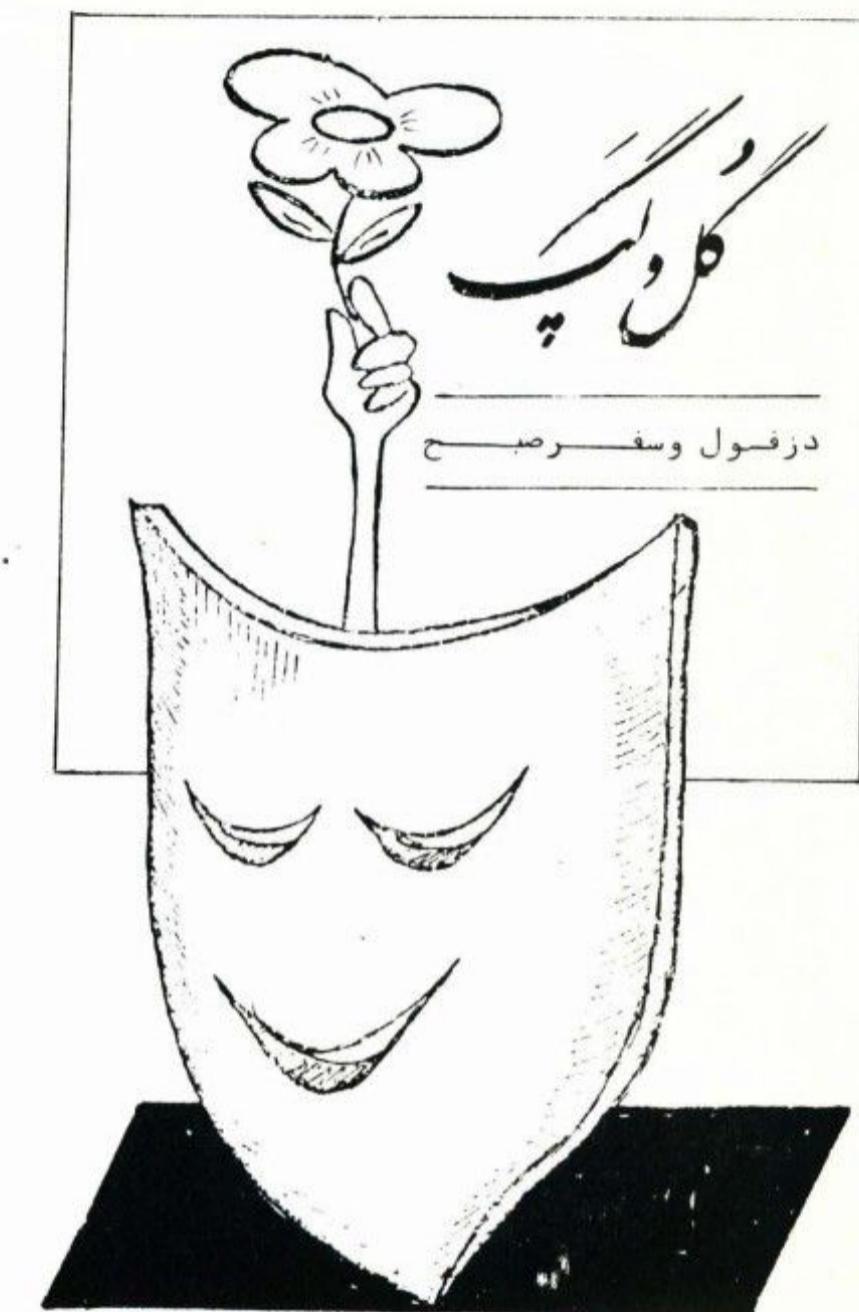
میدهند. اینان که خودپاکی اند، طها رتند..... پرسیدم که دزفول باید از جنگ و ویرانی، از مشک و توب و تانک در تاریخ گوید اما چرا از کودکان و پاکی از نمایش درون انسان؟.....

ما در طول جنگ تحملی، خودنمایی از جنگ بسودیم ماهده‌مان تطهیر ارواح کودکان است که در طول جنگ بی خما بر وی در زیرزمینها و سکرها نمایش را تحلیل و می‌کردند.

چگونه از خود گفت.... به.... ما کاری نکردیم.... جنگ است و ما کار خودمان را می‌کنیم، می‌جنگیم.... تآتر بازی می‌کنیم..... نمایشنا مه را می‌نویسیم.... زندگی می‌کنیم... جنگ با زندگی ما آمیخته است.

اگر از دیدگاه بچه‌های دزفول جنگ زده نگاه کنیم. حتماً "خواهیم گفت که چرا نمایشی از کار و تلاش از کشاورزان، کارگران.... آدمهای شهـر ننوشتید... برای جنگ کارکردن مثل زندگی است و تئاتر هم برای مازنگی است.... اما هدف ما پرورش ارواح پاک بچه‌هایی است که در شهر زندگی می‌کنند که تمام سالنهای امتحانی، تئاتری سینما اش مشک خودده است.... کتابخانه اش سجدۀ امکان عومی است.... اما هنوز در صحنۀ تئاتر مملکت بچه‌های دزفول یادآور همه‌هستی انسان است.... مانعیخواهیم در این مقطع که جهـان را کشـتا رها حـریص تـهدیدـیـمی کـنـند. ما درس طـهـارت مـیـ دـهـیـم... بـگـذـارـجـهـانـ کـارـخـودـکـنـدـمـاـکـارـخـودـ درـ هـرـ صـورـتـ بـایـدـسـپـاسـیـ گـفتـ بـچـهـهـایـ دـزـفـولـ رـاـ.... دـزـفـولـیـ کـهـ موـشـکـ درـ جـهـانـ مـعـرـفـ تـراـزـتـ اـتـرـشـ است.... دـزـفـولـ کـهـ مـدـهـاـ موـشـکـ رـاـ شـحـمـلـ کـرـدـ.

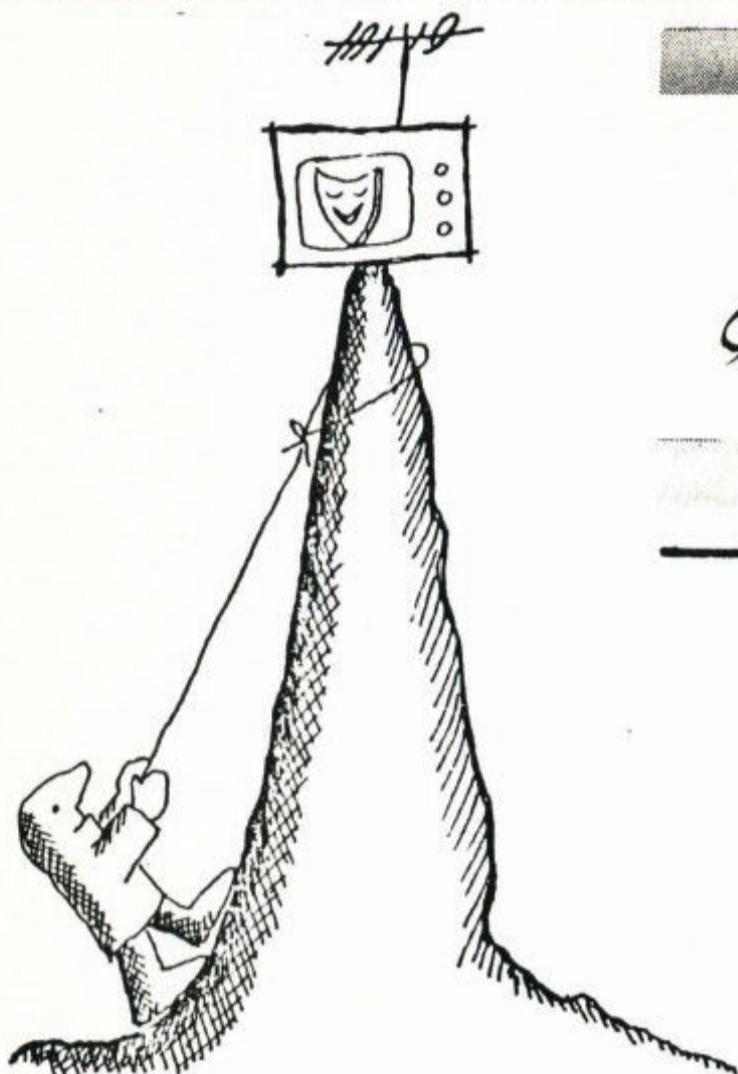
شهـادـتـهـایـ عـزـیـزـیـ رـاـ یـادـگـارـخـونـ پـاـکـشـانـ آـزـینـ. شـهـرـسـتـانـ است.... اـمـاـ پـرـغـرـوـرـوـتـوـانـ بـرـصـنـتـیـ تـئـاتـرـ مـلـکـتـ. بـچـهـهـاـ اـزـیـادـنـبـرـنـدـ... بـچـهـهـاـ کـهـهـاـنـ باـزـشـانـ درـسـعـقـ مـیـ دـهـنـدـ... گـامـهـایـ اـسـتـوـارـشـانـ یـادـگـارـیـ وـایـسـتـادـگـیـشـانـ اـیـبـمـانـ... بـچـهـهـایـ دـزـفـولـ رـاـسـتـیـ کـهـ باـسـفـرـصـبـحـ مـیـرـونـدـ.... وـاـزـسـفـرـصـبـحـ مـیـ گـوـيـنـدـ.... صـبـتـشـانـ درـخـشـارـ بـادـ.



دزفول هم در جشنواره آمد.

دزفول قهرمان، مظلوم، پاینده و پایدار..... اول با ورگردنی نبود که دزفولیها هم برای جشنواره تأثیر بیاوردند، آنهم تأثر کودکان و نوجوانان با ارزش‌هایی که در طول انقلاب آنها داشتند و مقتول نگه داشتند خودا سطوره مقاومت گردیدند تا ترو در کل ادبیات انقلاب.

با عبدالحسین اطمینان زاده کسارگردان سفر صبح گپی داشتم.... در دلهای مرسم بچه‌های تئاتری شهرستان است از کمبود سالن، امکانات، تسهیلات و.... در حرفها یش نبوده. او از کودکان و جوانان حرف می‌زده می‌گفت: با یددرا این مقطع حساس تاریخی این گلهای پاک وطن اسلامی را پروراند. با ید عزل طهارت روح اینان را سرود اینان که خود را با همین صفات‌ها و پاکی ها نویسد



نمایش‌نامه برگزاری جشنواره ضبط تلویزیون میشود

نمایش‌نامهای خوب جشنواره تاتر بعد از برگزاری جشنواره ضبط تلویزیونی میشود و از شبکه، دوم تلویزیون به نمایش گذاشته میشود.

این موضوع را "قاسمعلی فرات" مدیرگروه ادب و هنر شبکه، دوم سیماه جمهوری اسلامی ایران با گزارشگر خبرنامه در میان گذاشت و متذکر شد که: شکه، دوم تلویزیون به منظور تشویق هنرمندان فعال و با استعداد شهرستایی در نظردارد آن دسته از نمایش‌نامه‌ای را که دارای ویژگی‌های لازم باشند، خواهد داشت تا برای مدتی در تهران بمانند و کار ضبط تلویزیونی از تاترهای موردنیاز تلویزیون نیز تأمین خواهد شد. به اضافه، اینکه در نظر راست دستمزد مناسبی نیز به گروههای تئاتری پرداخت شود که امید می‌برند این امر بتواند تا حدودی هزینه‌های انجام شده توسط گروههای تاتری را جبران کند.

نمایش‌نامهای که به اجرا گذاشته می‌شوند باید میکنند و بعد از پایان جشنواره از دست اندتر-کاران نمایش‌نامه‌ای که دارای ویژگی‌های لازم باشند، خواهند داشت تا برای مدتی در تهران بمانند و کار ضبط تلویزیونی از تاترهای موردنیاز تلویزیون نیز تأمین شود.

قاسمعلی فرات در ادامه، این گفتگو افزود که برناهه جنگ هنر که یکی از برناههای گروه ادب و هنر می‌باشد هر روز قسمت‌هایی از کلیه نمایش‌نامه‌ای را که به صحته می‌آید ضبط می‌کند و سعی بر آن است که در جریان برپایی جشنواره حداقل قسمتی از کلیه نمایش‌نامه‌ها از تلویزیون پخش شود.

مدیرگروه ادب و هنر شبکه، دوم یاد آورد شد که در حال حاضر کارشناسان این گروه از کلیه

متن بر می‌اید اینست که گویانویسنده این‌مهم را در نظر نداشته است. در نمایش نوعی شعار زدگی بچشم می‌خورد و از آغاز مبارگبار شعارها روپروره‌ستیم. استفاده از شعار در نمایش غلط نیست اما نمایشنا با شعار، مقاله، سخنرانی و دستور و پندواندرز - اخلاقی صادر کردن فرق دارد.

متن دجا ریک سردرگمی خاصی است.. آدمهانه "تیپ" اند، نه "شخصیت" و تماشاگر می‌باند که چه می‌بیند؟ وقتی مردم خود در کعبه قیام کرده‌اند و خیابان‌ها را با فریاد "تبتیدا ای له" بریده باد دست له" زیر پا گذاشته‌اند و به حان حق رسیده‌اند مادیگر چه حرف تازه‌ای برای آنها داریم چه می‌خواهیم بگوئیم و یا حرف مکرر گذشته را با کدام شکل زیبایی ارائه داده‌ایم؟ و مگرنه اینست که هترمندقا فله سالار کار روان می‌باشد؟

نکته‌ای که در اینجا قابل تذکر است اینکه: ما محاذ نیستیم که "ستر، گاو، پلنگ" را به نمایش درآوریم و مدعی باشیم که سبک‌های گذشته را در هم ریخته‌ایم، هر سبک تازه‌ای برای خود شکل و قواعد معقول و منطقی باشد و این حرف که نه شده است که منطق کار در بی منطقی است. دریک شعر کلاسیک هرگز مانکمه "اتم" و "کامپیوتر" را نمی‌بینیم چرا که این‌گونه شعر قاعده خاص خود را دارد. نمایشنا سمبولیک که زبان استعاری را به خدمت گرفته و مدعی فرهنگ خاصی است باشد نشات گرفته‌از این فرهنگ باشد. در فرهنگ ما رنگ زرد نشانه نفرت نیست، نه تنها در فرهنگ ما که در فرهنگ مشرق و این یک عاریتی است که از فرهنگ غرب به وام گرفته‌ایم. با این ادعا چگونه قهرمانی می‌تواند بگوید "چیزی که رنگش زرد نباشد و به دلها روشی ببخشد!!"

زبان نمایش‌گاه شعر است" هزاران قاصدک سفید اسیر گردیدند" ... چرا هیچکس بفکر گلها نیست و گاه تا حد زبان عالمیانه افت می‌کند و از اینها مهم تر این آدمهای جراحت‌شاعرند؟ و حرفهای قشنگ را دنبال هم آورده و قصیده می‌گویند؟ آیا این مردان از قبیله شعرند؟ و اگر شاعرند چرا گاه در می‌مانند؟ نمونه‌اش" بی خود خود توبه خری نزن" ... من آن‌تیپ می‌خوام"



نگاهی به نمایش‌نامه دسته‌ها و قلمها

نوشته و کار: امیر دژا کام
کارگروه نمایشی حماده اشگاهی دانشگاه هنرها و زیبا
جها رشیه ۱۴/۱۱/۱۶ سالن چهار سوتی ترا شهر
بخش مسابقه

خلاصه نمایش‌نامه: چهار مرد که نماینده مردم خود هستند، راهی مقصدی می‌شوند که راه آب را باز کنند این چهار مرد با مردم پیمان بسته‌اند که تانها یست راه با هم برآورده را به موانعی برخورد می‌کنند که سد راه آنها می‌شود. سه تن در این سفر جان خود را از دست میدهند و مرد آخر به مقصد میرسد.

* * *

دسته‌ها و قلمها با زبانی که دارند مربوط به دوره خاصی از زمان است که در مملکت مارایح بوده و اکنون دیگر نیازی نیست که این‌گونه حرف بزنیم. نویسنده باید در نظرداشته باشد که پناه بردن به "سمبل" بنا به چه ضرورت‌هایی است و اصلاً رواج ادبیات "سمبولیک" بنا به چه ضرورت زمانی بوده است. آنچه که از این

اصل ضرورت وجود گل حیرت در نمایش چیست؟ آیا فقط استفاده از "جنسیت" زن مطرح است؟ آین - قهرمان ها چرا چنین پر تکلفند؟ چرا میمیک چهره گل حیرت و نفس اماره یکی است که ایجاد توهم کنده گل حیرت همان نفس است. قوت و غذای آنها جگونه گم شد؟ چگونه پیداشد؟ چرا آن دو مرد سومی را که شرایط اقتصادی بدی داشته وقتی به طلامیر سرد طبیعی ترین عکس العمل هارانشان میدهدشماست. می‌کنند؟ و چرا مثل فیلمهای فارسی "بده" بایک خنجری می‌میردو "آرتیسته" با همان خنجرنده تنها نمی‌میرد که مدت‌ها فتووا صادر می‌کنند و آن‌ها در کمال سلامت جسم. مگرنه اینست که خنجری خورده؟ و در - پایان که مرداول و گل حیرت، مرددوم را به سوی مقصد هدایت می‌کنند و نیز میدهند، مرداول درست عمل می‌کنند اما بازی گل حیرت به جادوگران می‌ماند که توگویی اورامیخواهد سحر کند و ضرورت آن شعر معروف "سیصد گل سرخ" برای تماشاگر گنگ می‌ماند لباس‌های یکدست مشکی به چه ضرورتی آن‌ها برای - قهرمانان. سربند و کمر بند سفید مفهوم دارد. مج‌بند و دست بند سفید دیگر چه می‌فهای بود؟ استفاده از -

شکلی زیبا؟

در نهایت کاربرد فرمها مرتبط با کار نبود. موزیک اصیل ایرانی همراه موزیک غرب کاربرد نداشت از رنگها، خاموش و روشنی‌های بی‌مورد، استفاده غلط از سکوها، آشفتگی در استفاده از بازی، ایستاد بودن اجرا همه ازعوالی بودند که مانع ارتباط تماشاگر با نمایش می‌شدند و تصویر آخربناد کعبه یک شعار صرفا تکراری و تناقض بود.

خبر مرگ "مردیک" بسیار زیبا و دلنشیں بود و بهره گیری از موزیک بجا هنگام برخورد آدمها با طلاکسنه تداعی صدای موش را داشت و گاه فرمهای زیبا که ارتباطی به کار نداشتند از نقاط قوت کار بود. دزا کام با این کار نشان داد که چهره مستعدی است و می‌توان از اواانتظاری بیش از این داشت. دزا کام از تنهای داشکده هنری تئاتر ایران آمده و از این راه رفتن های سومی به لوطیهای زیر بازار چه می‌ماند و آن دو بیرونی را رعایت کند. اما اصل بازیش ساختگی است و همچنین بازی گل حیرت، جوان است و پرشور و آینده درخشانی دارد.

و گاه، کلمات جه آشنا یند که به وام گرفته شده از دیگران است! "هزار آرزو که به آن درخت گمره خورده... از جگرها سوخته... از درخت خشک دخیل بسته... هزار آرزویی که بهش گره خورده" و متن "کیش" ندارد و این یکی از عمدۀ تریس اشکالاتی است که در اکثر قریب به اتفاق متونی از این دست به حشم می‌خورد و کلام آخوند را در رابطه با متن . آن شعار "یاز هرا" از کجا به متن راه یافته است تا آن لحظه بخصوص متن نشان از فرهنگ‌خواص اسلامی ندارد و با اکاه بایک کلمه‌نمی‌توان به آن برداشت. ارزیبایی‌های متن کلام شاعرانه آن بود، اگر یکدست می‌مانند و اگر حرفت کار بود... اجرا : مادر اجرا شاهد" فرماییم" هستیم که گاه شکسته شده و به رئال نزدیک می‌شود و حتی بازی‌ها لحظاتی "ناتورالیسم" ناب است. یکدستی در- بازیها و فرمها دیده نمی‌شود. بازیها ساختگی است اشاره می‌کنم به صحنۀ در گیرشدن در طوفان. و گاه - تقلیدبندی است از فیلمهای "لوطیهای سرگذر" "حرا آدمها این‌همه فریاد می‌زنند؟ خصوصاً "مردیک" که بیش از حد بخود فشا رمی‌آورد. کارگردان اسیر زیایی فرمها شده است و گاه محتوا را هم فدا نموده، و اختلاط ذهنیات و واقعیات .

اساس حرکت بر مبنای انتقال مفاهیم نبود و گاه این توهمندی یکدست که این سه‌تن به واقع یک نفر است. اشاره می‌کنم به عکس العمل در برابر نفس اماره . ولحظه‌ای بعد فقط یکی جواب میدهد و این سردرگمی برای تماشاگر می‌ماند که پس چرا دیگران هم عکس العمل نشان میدادند؟ مرد چهارم که مریض بود و مرد چرا مرد؟ کی مرد؟ چگونه مرد؟ و این کافی نیست که دومی هم به او لی بگوید من هم کا بوس میدیدم اما عکس العملی در پاسخ به این کا بوس را در اون بینیم وازا و اسط نمایش قصه‌لومیرود و مشخص است که سومی خائن است و همین نمونه نشانه نداشتند "کنشی" است .

راه رفتن های سومی به لوطیهای زیر بازار چه می‌ماند و آن دو بیرونی را رعایت کند. اما اصل بازیش ساختگی است و همچنین بازی گل حیرت، جوان است و پرشور و آینده درخشانی دارد.

فکتو باصرت از زمانپور

لئن همایش را کاش از سالن قشقائی هنرمند



محمدبهرامی

- مشکل تئاترکاشان ماهی است
- اگر نمایش‌های کمتری در جشنواره شرکت داده شوند با هزینه‌ای که صرفه جویی شده می‌توان
- تئاتر شهرستانها را از خودگی درآورد.

صرف تئاتر شهرستانها می‌شود و آنها را از خودگی درمی‌آورد.

"زمانپور" در مورد مشکلات تئاترکاشان می‌گوید - ما مشکل سالن نداریم چون به تازگی سالنی در کتابخانه عمومی تحويل هنرمندان تئاتر شده بطوری که از اینجا (سالن قشقائی) (هم نسبتاً) بهتر است. مسائل تئاترکاشان فقط مادی است. ادارات، بودجه مخصوص - فوص دارند که کارهای هنری منحمله تئاترازان - استفاده می‌کنند و کمبود دارند. سابقان اجرای یک نمایش، چند هزار تومان خرج بر میداشت ولی الان چند هزار تومان واین در کار فرق می‌گذارد. حتی "میدانید که کاشان شهر هنر پروری است و نویسنده و ادیب زیاد دارند" اگر مشکلات مالی حل بشود قطعاً آن مسائل هم بر طرف می‌شود.

"زمانپور" در پایان درباره متن نمایش "مندلیل خیال" گفت:

- این متن داستانی تمثیلی از کشکول شیخ بهایی است. داستان قالب ساده‌ای نارد و در کشکول نیز "مندلیل خیال" نام دارد. من و آقای "محسنی" نویسنده متن نمایش، داستان "مندلیل خیال" را - خواند. یم و از نظر دراما تیکی آن را بررسی کردیم و نتیجه‌این نمایش است و حالا باید بینندگان و منتقدین در مورد خوب یا بد بودن آن نظر بدهند.

هنرمندان کاشانی امسال بانمایش "مندلیل خیال" در بخش میهمان ششمین جشنواره شرکت کرده‌اند. "نصرت الله زمانپور" کارشناس تئاتر و کارگردان نمایش، سال گذشته سرپرستی همین گروه را بعده داشت که در بخش میهمان جشنواره نمایشنا مه "اسب سفید" را به روی صحنه آوردند. وی در گفتگوکوتاهی با خبرنگار خبرنا مراجع به جشنواره سراسری تئاتر فجر اظهار داشت: - در مجموع جشنواره کار ساز هست و بر کارهای هنرمندان تئاتر تاثیر می‌گذارد، اما به نظر من اگر گروه‌های کمتر و برترا انتخاب کنیم بهتر است. در عوض بودجه‌ای که از این راه صرفه جویی شود به تئاتر شهرستانها اختصاص پیدا کند. آنوقت فکر می‌کنم که جشنواره هم مرغوبتر می‌شود و کار تئاتر در شهرستانها ارجحیت پیدا کرده و رشد می‌کند.

به "زمانپور" گفته شد: در آن صورت فکر نمی‌کنید بسیاری از گروه‌های شهرستانی منحمله گروه شما امکان حضور در جشنواره و حتی در بخش میهمان را نداشته باشند؟ وی پاسخ داد:

- خوب ماه در آن شرایط سعی می‌کنیم بیشتر تلاش کرده و امکان حضور در جشنواره را داشته باشیم. اگر ۱۵ یا ۲۰ نمایش در جشنواره باشد، بودجه‌ای که در این میان صرفه جویی شود

فصلنامه علی‌حسین فرخی

دانشجوی تئاتر

و عضو گروه ارزشیابی نمایش‌های ششمین جشنواره

س: لطفاً خودتان را معرفی کنید و بفرمایید چند سال است که کار تئاتر می‌کنید و چه آموزش‌هایی دیده‌اید؟
 ج: علی‌حسین فرخی - متولد ۱۳۲۸ - دانشجوی سال آخر رشته تئاتر

فعالیت در زمینه نمایش را از دوران تحصیل در دبیرستان حدوداً سال‌های ۱۳۵۴ شروع کرد و بصورت تجربی فعالیت می‌کرد، با پیروزی انقلاب اسلامی و دگرگون شدن وضعیت هنر تئاتر را با جدیت بیشتری ادامه داده و در ارگانهای مختلف و همینطور با گروه‌های آزاد کار می‌کرد که حاصل آنها اجرای چند نمایش روی صحنه و شرکت در جشنواره‌های تئاتر بوده است

س: ملاک‌های کمیته ارزشیابی چگونه بوده است؟

در مرحله نخست از میان نمایش‌نامه‌های رسیده که مطالعه شده بودند تعدادی که دارای ارزش‌های بیشتری از نظر ساختار نمایش و مفهوم بودند انتخاب شدند، لازم بتذکر است شورای مامتکل از برادران پدیدار و رنجبر که در مرحله بازبین تشریف آوردند، مسئولیت نظارت بر انتخاب نمایش‌های بخش مسابقه و ویژه از تهران را بر عهده داشت، نمایش‌ها در مرحله بازبین طبق امتیازبندی‌هایی که انجام می‌گرفت در جمع مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت و در مجموع از نمایشنامه‌های تهران ۳۰ نمایش برای بخش مسابقه و یک نمایش برای بخش ویژه انتخاب گردیده ملاک انتخاب صرفاً برتری داشتن متن و اجرا آنهم بصورت مقایسه‌ای بوده است و نمایش‌های انتخابی در مقایسه با سایر نمایشنامه‌ها دارای ارزش و امتیاز بیشتری بوده‌اند.

س: تئاتر شهرستانها را چگونه دیدید؟

ج: با توجه به اینکه عموماً "شهرستانها از نظر امکانات در مضيقه هستند، طبیعی است که همواره ضعیفتر از مرکز عمل می‌کنند و این کمبود امکانات هم از نظر آموزشی است و هم از جنبه‌های مختلف دیگر اصولاً "چشم امید شهرستانها به تهران است و برگزاری جشنواره‌های سراسری"

که متأسفانه این جشنواره‌ها هم هرسال سیر نزولی طی می‌کنند (از نظر تکنیکی و موضوعی در نمایش‌ها) و این نیست مگر اینکه جهش و حرکتی پریارتر در تئاتر این مملکت رخ بدهد.

س: مشکل اصلی تئاتر ایران را در چه می‌بینید؟
 سوال مورد نظر بسیار عمیق و مشکل است و نیاز به جوابی در همین روال دارد. اما آنچه را که می‌توان بطور خلاصه مطرح کرد این است که - تئاتر از نبود یک سیاست واحد فرهنگی و هنری رنج می‌برد در هر کجا هر کس سازخودش را می‌زند، هر ارگانی برای خودش و هرسازمان و گروه و تشکیلاتی برای خودش تلویزیون یک طرف، ارشاد اسلامی از سوی دیگر و سایر ارگانها نیز هر کدام از سویی، مشکل اساسی دیگر جابجائی و تعویض‌های سریع و پیاپی مسئولین و دست‌اندرکاران هنرها نمایش است. در طول سال چندین شورای مختلف می‌آید می‌رود و هر کدام سلیقه‌های دیدگاه‌های خودشان را اعمال می‌کند، می‌آیند و می‌روند و همه چیز دوباره باید از نوع شروع شود، با این چنین مشکلاتی طبیعی است که برنامه‌ریزی جائی برای خود پیدا نخواهد کرد. از مشکلات بسیار مهم دیگر در نمایش مسائل حاشیه‌ای و یا شاید اصلی آن یعنی مسائل مادی است حالا اگر جشنواره‌ای برگزار می‌شود، صرفاً "در حد همان ده روز برگزاری جشنواره نباشد، چه اشکال دارد بعد از برگزاری جشنواره نویسنده‌های خوش‌ذوق و دست به قلم را تقویت کنند و همین‌طور نیروهای فعال دیگر را داشته باشند، و بعد از جشنواره با آنها ارتباط برقرار کرده و از این طریق در تقویت آنها بکوشند، شما حساب کنید الان ششمین جشنواره تئاتر را داریم برگزار می‌کنیم، خب اگر از همان جشنواره اول ۲۰ نویسنده خوش‌ذوق را به مرور در هر جشنواره انتخاب می‌کردند و به آنها کمک می‌گردند، آموزش میدانند و غیره، حالا ما حداقل ده دوازده تا نویسنده پرقدرت داشتیم.

س: علت گرایش هنرمندان تئاتر به سینما چیست؟
 ج: این نکته محزن است که سینما و تئاتر از هم جدا نبوده و نخواهند بود و این گرایش منطقی و عقلانی است. اما خب نه به حدی که تئاتری‌ها صحنه را ببوسند و کنار بروند و اگر این‌همت بخاطر ایده‌آل‌بودن شرایط صحنه‌است از نظرهای مختلف که شاید برجسته‌ترین آنها رامسائل مالی بتوان نامید.

س: جشنواره چه نقشی در پیشرفت تئاتر دارد؟
 ج: در صحبت‌های قبلی تا حدودی به این مسئله اشاره کردم، اصولاً "نقش جشنواره باید نقش هدایتی و آموزشی باشد و اگر جز این باشد صرفاً" در حد رفرم خواهد بود. جشنواره باید میدانی باشد برای یک مبارزه هنری و اسلامی، که در آن رشد و تعالیٰ خود بخود بوجود خواهد آمد.
 به امید آن روز ...



۱۵۸

مطلوب زیربخشی از مقاله، "مبحثی موجز در خصوص نمایشنامه نویسی" است که توسط "احمد اشرفیان" در امور تربیتی ناحیه سه اصفهان تنظیم شده است:

نویسنده باید نقشهای اصلی و فرعی، صفات و مشخصات شخصیتهای قصه خود را معین سازد و هچنین در اعمال و گفتار آنان رعایت تناسب را از پاد نبرد به هر کس نقشهای بدده که لازم است. و این نقشها در ضمن در خورسن، فهم و مقام او باشد. اگر از کودکی سخن میگوید سخنان فلسفی و یا اعمال شفقت آور پهلوانی را به او محول نکند. از طرفی باید به مخاطر داشت که تغییر ناگهانی شخصیت و خوی آدمهای نمایش جز در موردی که طبیعی و عادی جلوه نماید پسندیده نیست.

آدم نیک سیرت و خوشخویکاره نباید به انسانی دیو سیرت و پلید تبدیل شود. و تغییر صفات و ویژگیهای شخصیتی باید بر طبق یکسری عوامل و حوادث منطقی صورت گیرد.

۳-حوادث نمایش. هیچ حادثه فرعی در نمایش وجود ندارد که به طریقی با یکی از وقایع اصلی نمایش ارتباط نداشته باشد جریان نمایش نباید-طوری تنظیم گردد که بینندم وقوع آنها طبیعی و حتمی به نظر رسد و این هنگامی تحقق می‌یابد که سیر حکایت طبق طرحی باشد که نویسنده پیش از آغاز کار تنظیم کرده.

۴-رابطه علت و معلول. در طرح یک نمایش باید رابطه علت و معلول همواره پایدار بماند. وضع عمل و عکس العمل روشن باشد. تا توالی و بروز رویدادها طبیعی نماید و بروز حادث غیر عادی نباشد.

مسائلی که پیش می‌آید مبهم و بیگانه نباشد و اگر ناگهانی هم اتفاق می‌افتد رابطه آن را تنه قصه نمایش قطع نشود. هر اقدام مولود نیاز قهرمان بوده باشد. هر گناه یا جنایت هر

بهتر است نخست نمایشنامه‌های کوتاه بنویسیم. در نمایشنامه‌های کوتاه معمولاً بیش از یکی یا دو نفر مورد گفتگو قرار نمی‌گیرند. وقایع آنها در زمان و مکان محدود اتفاق می‌افتد و دور یک مسئله از زندگی و کردار و گفتار یک و گاه دو نفر می‌چرخد.

برای آفرینش یک اثر نمایشی این مراحل را طی می‌کنیم.

۱- یافتن موضوع نمایش. مشاهده دقیق رویدادها و مسائل اجتماعی کار دشورای نیست، شما میتوانید با اندکی دقیق در مسائلی که پیرامون شما اتفاق می‌افتد (غم، شادی، کار، حسادت، کینه‌توزی، مهربانی، دشمنی، فدکاری، کوشش یا کاهلی) موضوع نمایش را پیدا کنید.

البته لازم نیست تمام وقایع نمایش در برابر دیدگان شما اتفاق بیافتد. نویسنده هوشیار کسی است که از حادث ناچیز که برای بیشتر مردم هرگز قابل توجه نیستند به یاری ذوق و اندیشه و نیروی تخیل حکایتهای دیدنی ترتیب دهد.

ویکتور هوگو از گردش دو طفل بی‌پناه در باغ لوگزامبورگ پاریس و قطعه نان شیرینی که یک اشراف زاده در استخر می‌افکد و پس از دور شدن او، آن دو طفل موفق می‌شوند به رحمت نان را از استخر برگیرند و میان خود تقسیم کنند اثری بس دلپذیر ساخته است (بینواپان)

۲-آدمهای نمایش. در یک نمایش از یک یا چند کس سخن می‌رود که معمولاً نقش یکی، دو تن از آدمهای مهمتر است که مسیر داستان بر محور کردار، گفتار و افکار آنان می‌چرخد و دیگران احتمالاً نقشهای درجه دوم و فرعی دارند.



آهای خبردار ،
خبرنامه
۵۰ ریال !!

اولین شماره خبرنامه با تا خیر نه چندان زیادی درآمد. علاقمندان هنر هجوم آوردند که خبرنامه دریافت کنند. اما مسئولی میگفت: آقا ۵۰ ریال !! چهارشاخ مانده بودند. که یکی گفت: آقا این همه خرج و این گدا بازی! نه هتل هویزه، نه خبرنامه ۵۰ ریالی! ودها متكلک دیگر! بیچاره فروشند که در جمع انتقادها و کنایه ها منگه شد.

* * *

توضیحی چند :

تصمیم گرفته شد خبرنامه با مبلغ ناچیزی (۵۰ ریال) بفروش بر سرده علاقمندان واقعی تهیه نمایند.

"۵۰ ریال" نه به مفهوم ارزش گذاری بر تلاش دست اندر کاران خبرنامه بلکه - راهی برای آنکه بیهوده حیف و میل نشده وزیر دست و پاها ریخته نشود.

در پایان نیز مبلغ جمع آوری شده بعنوان یکی از جوائز از طرف خبرنامه هنرمندان عزیز داده خواهد شد.

نیکی و فداکاری، گریز و پا بازگشت خرابی و آبادانی و همه سائل و حوادث دیگر، زائیده احتیاج و از روی علت و در هر حال دارای نتیجه باشد در قصه مشهور رستم و سهراب پدری (رستم) فرزندش (سهراب) را با بی رحمی میکشد اما هیچکس به رستم لقب قاتل نمیدهد زیرا با توجه به سلسله علل و معلول پدر پرسش رانمی شناخته است در صورتی که اگر پدر میدانست که کدام کس را ناجوانمردانه به قتل میرساند همه از این پدر تنفر مییافتدند و او را جانوری درنده بشمار میآوردند بالاترین نسبتی که میتوان به رستم داد خشونت، جاه طلبی و غرور جهان پهلوان کهن سال است و بس. سبب این امر آنست که رابطه علل و معلول در داستان بطور دقیق خفظ شده است کشتن سهراب با توجه به صحنه ها و وقایع قبلی کاری عادی است در ضمن در این ماجرا بروز حوادث بطوری است که رفته رفته حوادث به اوج میرسند و رویدادهای بعدی مولود بروز وقایع پیشین است.

۵- تصویر سازی و سخن آرایی.

نویسنده نمایش باید تمام هنر خود را در انتخاب واژه های مناسب و آوردن صفتها و قیدهای لازم و بجا و حسن تلفیق و ترکیب جمله ها بکار گیرد. پرهیز از بکار بردن واژه های بازاری و لغات کنه و خسن و کلمات بیگانه جز در مواردی که کامل " ضروری باشد و کوشش در ساخت جمله های سالم و کوتاه و سلیمان تها تلاش نویسنده در بیان مطالب خواهد بود.

(اختصار گوئی و ایجاز بر زیبائی نمایش می افزاید)

انتخاب و کاشتن دیالوگ در دهان آدمهای نمایش باید بر طبق ویژگی های خصلتی اشخاص نمایش باشد. عبارات فلسفی و مسائل استدلالی هیچ کاه نباید از دهان یک آدم معمولی و کم سواد بازگو شود و در واقع این دیالوگ ها هستند که شناسنامه آدمهای نمایش را صادر میکنند.

در ضمن نویسنده باید با تشبیه، مجاز، تمثیل، سمبول، کنایه، ابهام، که از نکات مهم دستور زبان فارس است آشنا شده باشد.

اندرز ندهیم

نمایشنامه نویس هوشیار تلاش میکند تا ضمن سرگرم کردن بیننده راهبر او بسوی خیر و سعادت باشد اما این نکته بدان معنی نیست که نویسنده نقش واعظ را بعهده گیرد و پیوسته مردم را اندرز دهد. نویسنده کان بزرگ هرگز در نمایشنامه ها به ارزیابی کردار و گفتار افراد نمایش میادرت نمی ورزند و این کار را به عهده تماشاگر میگذارد.

خوشبخت

همکاران مادر برنامه‌های مختلف صدا و سیما و مطبوعات با محبت‌های همیشگی خود اخبار ششمین جشنواره سراسری تئاتر فجر را منعکس کرده و مانیزاز هنرمندان عزیز شرکت‌کننده در این جشنواره خواستار همکاری مستمر و بیشتر در تهیه برنامه‌ها و مطالب همکاران صدا و سیما و مطبوعات هستیم.

برنامه جشن پیروزی همه روزه در ایام فجر از ساعت ۱۶ الی ۱۹ و مستقیم پخش می‌شود. که در این برنامه گزارش‌هایی بصورت زنده از نمایش‌هایی که در ششمین جشنواره سراسری تئاتر فجر اجرا می‌شود تهیه و پخش می‌گردد. تهیه‌کننده این برنامه فرهنگ جوانی است. نویسنده برنامه سعید نعمتی و گزارشگر برنامه علیرضا غفاری گویندگان برنامه آقای حسین نورشاهی و خانم بیدمشکی می‌باشد.



خوشبخت

باز آلاله‌هادرزستان شکفتند در قلب " بهمن" بهار آمد. فحر است - فجر پیروزی " یاران" آمده‌انداز قلب کویر، از خطه خوزستان ازدشت گران، از بندر، ... و یکبار دیگر " آهنگ" رسواگری " سلطان مبدل" را دارد. از " آخرین کوچ" رسواه نوزده‌های نگذشته است. اما این " آخرین بازی" نخواهد بود. هر چند که شیطان بزرگ بخواهد خصمی دیگر روانه میدان کند ماهنوزایستاده‌ایم. ماهر سال " درتدارک حسن" پیروزی هستیم. " دیوارها" شهرمان هنوز خونرینگ است ماراه راسی نیست ما" در با دخواهیم شکفت" ...

شیطان بداند که ما " راز درخت مقدس" را کشف کرده‌ایم و کودکانمان دیگرسرگرم قصه " سه چه آهو" نیستند که آنها در " سفر صبح" اند. " خاک صبور" مان هنوز مقاوم و پا بر جا گاه ریشه عشق است. " عود بر آتش" بسوزانید که درهای - بسته " بازشدو فرشته محبوبیمان سوار بر " نار آغاز" از راه رسید. هر چند که خصم درتدارک مرگ " فجر" ماست اما باید - بداند که کودکانمان " پوتینهای گشاد" نپوشیده‌اند و پیر مردانمان از صندوقچه کهنه " تفنگ برتو" را بیرون کشیده‌اند " دستها و قلبها" در هم گره خورده و " هاتف" غیبی نوید پیروزیمان داده است. " لکوموتیوران" پیرمان اکنون در هر سفر به خطه، خونرینگ خوزستان گل می‌برد. این تاریخ، این فتح، این پیروزی هرگز " مکتوم" نخواهد ماند. هنرمند چا ووش قافله است، طلایه‌دار، پس ...

نصرالله قادری

اطلاعات

فهرست افکار علی منظری ششین جشنواره سراسری نثار
وزارت ارشاد اسلامی در بیان نشست اختصاصی با
اطلاعات چشم انداز دیروز، امروز و فردای نثار کشور
مطالبی ابراز کردند که مشروح آن ذیل از نظر می گردد.

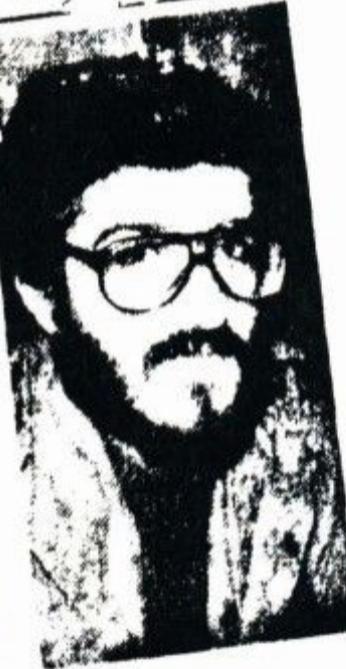
س افکار منظری نیز اسکد بعثت تعالی
در این طبقه اداره های اداره نثار و هر مدار لر گروه های ازاد بیان
رسانی دیگر رسانید. چه در رسالت
ملحق این موضع صادق است
من میر از انقلاب تا بعد تلاشها
کار هر مدارس بوده اند که پدر
من خوردند

در اینجا م اشاره ای داریم
رسانی دیگر رسانید. چه جهت حامی
ت سی گرفته است.
سادر طاهر چهاری راهنمای
بوده و م اسید است
لشکر و نویه امروز
سید نثار در بیان و صفت
دست داریم. داریم طبعاً مطلب خاص غیر از سیاست و برنامه ریزی کوی که در
سال های شهر

تصویر م کیم که اگر اس سیاستها و برنامه ریزی هادر جهت داشت
معنی صورت بگیرد. این افکار میان اداره نثار و هر مدار لر گروه های ازاد بیان
موز دانش شود طبق این مورد شامل این افکار های اداره های اداره نثار و هر مدار لر سانسیز
س رهگانی های این اس
س شد این اس
از من که میتوانم
ترک. این اس
اسلامی خواهد بود دست داریم که این طبعاً شامل حال
که نکره ای که قابل بعثت داشته شدن به عنوان مک طرح حدیث است این است
عاد نهانی با هم داریم. میم اسکه هر مدار گروه های ازاد بیان
امروز دیگر میتوانم این اسکه هر مدار گروه های ازاد بیان این اس طور
ساده های شار خودهای اداره های سانسیز این اسکه هر مدار گروه های ازاد بیان
رسانید که هر مدار گروه های ازاد بیان دیگر شار خودهای اداره های سانسیز این اسکه هر مدار گروه های ازاد بیان
در این طبعاً میتوانم این اسکه هر مدار گروه های ازاد بیان دیگر شار خودهای اداره های سانسیز این اسکه هر مدار گروه های ازاد بیان
اگر این طبعاً میتوانم این اسکه هر مدار گروه های ازاد بیان دیگر شار خودهای اداره های سانسیز این اسکه هر مدار گروه های ازاد بیان
روز بروزگرد خودهای این اسکه هر مدار گروه های ازاد بیان دیگر شار خودهای اداره های سانسیز این اسکه هر مدار گروه های ازاد بیان
دادام و خشکی باید بکر که این خود بدلیکه میتوانم این اسکه هر مدار گروه های ازاد بیان
ثار بعد از انقلاب که در این مورد نظرات پا از این میز دارد بدین معنی است
چ عرض کم که در مورد نظرات پا از این میز دارد بدین معنی است
و این این حرف یک تعارف من توانند باشد ولی در مورد ارزیابی معتبری که از
ثار بعد از انقلاب داریم نگاه به مسئله نثار در قبیل از انقلاب دیده از انقلاب

۱۰۰

جشنواره



نثار دیدروز امروز وفردا

مان اینجانی که امکان داشت این امکان را فراموش کردیم که کسکهای لازم را
در این رسمی در حد مقدورات و امکاناتیان برای اینها انجام بدیم.

گروه های دیگر هم که بالا هاست با انتشار دست و پنجه نرم کرده اند و راه و چاه
را مسدود واردند. طبعاً خوب آنها کنترل از کسکهای ما بمهده میشوند ولی
در عین حال اهم مورد نظر ما هستند و ماسی داریم که واقعی از موجودی و
امکاناتی که داریم به آنها هم کنک برایم.

نکه این است که ما کاتویی با اینجی داریم بنام اینجن نیاشی. بلکه از
کارهای که در اینجن نیاشی بیکری خواهد شد و کارهای قاتویس و مقدماتی از
اعلام شده تشکیل جانی است بنام نشاناخانه. نشاناخانه طبق تعریف معلمی است
برای اجرای حصری و در عین حال اموری های هر مدار این اموری های هر مدار این نثار
در دست اند کاران نثار و داشجویان و کسی که از نهادهای فرهنگی و هنری که به
ما معرفی شوند

در نشاناخانه اجرای اعماقی تغواص بود. در واقع در آینه اجرای اعماقی و
امروزی از آن بخوبی می شوند. تا بتوانند در کارهای خود آن را الگو فرار داد.
استفاده میم نیاشی که در خود توجه هر مدار است.

در این مورد بجز طبعاً هر مدار اداره برنامه های نیاشی و گروه های آزاد
گروه های دیگر را سانسید و می توانند مستکلاست را که برای توسعه
حاجه ای از خود نثار نشاناخانه کنند.

من جشنواره سراسری
نثار فجر



چهارمین
مشماره

ششمین جشنواره سراسری تئاتر فجر

۱۳۶۶ بهمن ماه ۲۲

به کوشش: ناصر بزرگمهر

و پردازش: محمد وحدانی

طراح و صفحه‌آرا: ایوشیروان میرزا شی کوچک‌سرایی

تاپیه مطالب: پرویز میرزا حسینی - رخشی غربا - زهراء زنگنه -

محمد طوسی - محمد رضا حسن بیکی

نکتیر: حسین یوسفی کیا

با مطالبی از: محمد بهرامی - عزت‌الله مهرآوران بنصرالله قادری -

حسین جعفری - هوشک هیباوند - رضا مهندسی -

منصور خلخ - محمد رضا حسن بیکی - اردشیر صالح‌بور

سایر همکاران: طیبه محمودی - مریم کباریان - آذر عباس‌زاده -

ناادر خاکشی ندا - مرتضی مهاجر - محمد مختاری -

۲۲-۱۲ بهمن ۶۶

سینه

ششمین بولمه
تندیز خوار

